

اگر خواهان شفای جسم هستید باید نخست ذهن را شفا بخشید.

همواره در طول تاریخ، شیوه های معینی برای انتقال انرژی جهانی وجود داشته است. در هزاران سال پیش تبتی ها درک عمیقی از این شیوه ها داشتند و از این علم برای شفای بدن و هماهنگی و هدایت روحشان استفاده می کردند؛ بعدها این علم در هند، ژاپن، مصر، یونان و روم گسترش یافت.

البته این روش ها فقط در دسترس تعداد کمی از علمای روحانی و راهبران معنوی قرار می گرفت. آن ها هم دانسته هایشان را به شاگردان خود منتقل می کردند.

بشر پس از پژوهشهای فراوان، با شکلهای متفاوتی از این علم درونی رو به رو شد. اما تعبیر درستی از آن نداشت تا این که در اواخر قرن نوزدهم دکتر میکائو اوسویی با مطالعه «سوتراهای بودایی» به زبان سانسکریت به این راز دست یافت. بدین ترتیب که روزی یکی از شاگردان اوسویی از او پرسید: « آیا به کتاب مقدس اعتقاد دارید؟ » او جواب داد: « بله اعتقاد دارم » شاگرد گفت: « پس معجزه عیسی مسیح را تکرار کنید زیرا خود عیسی مسیح می گوید: همه شما نیز مانند من قادر به شفا خواهید بود. » از آنجا که دکتر اوسویی قادر به این کار نبود فوراً از شغلش که مدیریت یک مدرسه پسرانه مسیحی در توکیو بود استعفا کرد و تصمیم گرفت به کشورهای مسیحی غربی سفر کند و معجزات عیسی مسیح را فرا گیرد و اثبات عینی اعتقادات خود را ارائه دهد.

ولی پس از تحقیق عمیق در این رابطه بر او مسلم شد که قادر به یادگیری این معجزات نیست. از این رو به تحقیق آثار مذاهب بزرگ مشغول شد و فهمید بودا و پیروانش درمانهایی را از قدیم انجام می دهند. پس از هفت سال از امریکا به کیوتو برگشت تا در زمینه «سوتراهای بودایی» مطالعه کند. او به معابد و صومعه های زیادی رفت و با راهبان زیادی در رابطه با درمان صحبت کرد همه آنها این درمانها را قبول داشتند ولی اعتقاد بر این بود که در باب درمان، سکوت شده و از این علم فقط در سلامت روح استفاده می شود.

اوسویی سال های زیادی را به دعوت راهب بزرگ در صومعه او زندگی کرد و شروع به مطالعه آثار به زبان ژاپنی کرد و سپس برای اینکه بتواند آثار را به زبان اصلی (چینی) مطالعه کند زبان چینی را فرا گرفت و شروع به خواندن سوتراهای بودایی نمود. ولی به هیچ چیز دست نیافت. چون این علم از هند آغاز شده بود، شروع به آموختن زبان سانسکریت کرد و در این زبان به مقام استادی رسید و در این زمان آن چیزی را که می خواست یافت. حال رموز درمان متعلق به او بود ولی نمی دانست چگونه از آنها استفاده کند از این رو تصمیم گرفت برای سه هفته به کوهی که در چند مایلی کیوتو بود برود و از راهب بزرگ خواست اگر تا بعد از ۲۱ روز بازنگشت روز بیست و دوم راهبان را برای جمع آوری استخوانهایش به کوه بفرستند.

او در کوه شروع به مراقبه کرد و روزه ۲۱ روزه خود را که فقط باید آب می نوشید آغاز کرد و برای اینکه روزها را دنبال کند ۲۱ سنگ در کنار خود گذاشت و با رسیدن هر شب یک سنگ را از خود دور می کرد تا اینکه فقط یک سنگ باقی ماند. در آخرین روز در تاریکی برای دیدن طلوع خورشید نشست و چشم به آسمان دوخت آنگاه از دور نور غریبی را در آسمان دید. نور، روشن و روشن تر می شد و به سرعت به سوی او می آمد، اول از فکر اصابت نور با خودش به فکر گریختن افتاد ولی بعد بی حرکت ایستاد و تصمیم گرفت این تجربه را امتحان کند. نور، با سرعت با پیشانی او اصابت کرد و او بیهوش شد ولی متوجه رنگهای زیبایی به رنگهای رنگین کمان، نور سفیدی که همواره آنها را دنبال می کرد شد و سپس حبابهایی را دید که در میان آنها نمادهای ریکی بودند و هر کدام که در مقابل دیدگانش قرار می گرفتند دستورالعمل استفاده از آنها داده می شد و از این طریق دکتر اوسویی معنای نمادها و طریقه استفاده از آنها را آموخت.

حال می دانست آنچه که به دنبالش بوده، «انرژی حیاتی کیهانی» است و آن را «ریکی» نامید و بدین ترتیب سیستم اوسویی برای درمان طبیعی شکل گرفت.

او هنگام پایین آمدن از کوه پایش به سنگی برخورد کرد و آسیب دید، اما با استفاده از نماد لازم پایش را در دست گرفت و بعد از دقیقی تمام ناراحتی او رفع شد. در پایین کوه در رستوران کوچکی تقاضای صبحانه کرد. در مدت توقف در رستوران کوچک متوجه دختر صاحب رستوران شد که از درد دندان می نالید، دستش را روی صورت دختر گذاشت و درد او را هم آرام کرد. این اولین تجربه های درمانگری ریگی برای دکتر اوسویی بود. او بعدها به محلات فقیرنشین رفت و به معالجه درمندان و بیماران پرداخت و تعدادی از آن جوانان فقیر را به صومعه نزد راهبان فرستاد تا مهارتهایی را بیاموزند و روزی خود را به دست آورند.

پس از سالها در کنار خود چهره های آشنایی دید و پس از پرس و جو فهمید آنها جوانانی هستند که به صومعه فرستاده ولی آنها معتقد بودند که به دست آوردن روزی از طریق کار بسیار دشوارتر از گدایی است و همین باعث شد که دکتر اوسویی متوجه شود که جسم فیزیکی فقیران را درمان کرده اما به سلامت روحی آنها توجهی نکرده است و درست در همین زمان ۵ اصل روحی ریگی را چنین عنوان کرد:

فقط امروز نگران نباش.

فقط امروز خشمگین نباش.

فقط امروز عشق و احترام را به هر موجود زنده ابراز کن.

والدین و معلمان و بزرگان را محترم بشمار.

معاش را شرافتمدانه تامین کن و سیاست را ابراز کن.

و سپس تصمیم گرفت بعد از این هرگز به کسی که قدر شناس نیست ریگی ندهد.

سپس سفرهای خود را در سراسر ژاپن آغاز کرد و ریگی را به دیگران آموخت و دانشجویان زیادی پیدا کرد. اواسط سال ۱۹۲۰ میلادی، دکتر «چیروها یاشی» ۴۷ ساله تحت تعلیم دکتر اوسویی به مقام استادی رسید و بعد از وفات دکتر اوسویی به آموزش و درمان در کلینیک خود در توکیو پرداخت. در همان زمان خانمی به نام «هاوایوتاکاتا» برای خلاصی از امراض خود به کلینیک او مراجعه کرد و پس از بهبود دستیار دکتر هایاشی شد، و بعد به کمک دکتر هایاشی، کلینیکی در هانولولو برپا کرد. او در طی سالها درمان، به ۲۲ استاد ریگی تعلیم داد و در سال ۱۹۸۰ میلادی چشم از جهان فروبست و پس از آن ریگی گسترش یافت و روز به روز بر شاگردان و استادان آن افزوده شد.

موضوع: ریگی ، مکمل معالجات پزشکی

ریگی يك كلمه ژاپني به معنای انرژی حیاتی ماورا جهان هستی است . (جهانی = REI - انرژی حیاتی = Ki)

ریگی، تکنیک یا یک روش و یا یک عمل نیست. ریگی فقط وجود دارد، معلم ریگی به دانشجو قدرتی می دهد، که انرژی بتواند در طی چهار مرحله تشریف، از بدن او جریان یابد. در این مراحل، مراکز داخلی خاصی در بدن دانشجو باز می گردد تا اینکه انرژی بتواند به راحتی و به طور صحیح منتقل شود و بعد از مراسم معارفه، معمولاً جریانی در دستان به صورت گرما یا . . . که هر فردی خودش باید احساس کند به وجود می آید. سپس دستور العمل استفاده از این انرژی داده می شود.

فواید ریگی:

ریگی در تمام سطوح درمانی یعنی فیزیکی، ذهنی، احساسی، روحی و . . . عمل می کند. هر کسی می تواند ریگی را بیاموزد زیرا همه به گونه ای ناقل انرژی هستند ولی به علت استفاده نکردن از این حس کانالهای انتقال بسته می شود، و بعد از اینکه به وسیله استاد ریگی مراسم تشریف انجام شود این کانالها باز می شوند و هرگز بسته نخواهند شد. بدین ترتیب قادر خواهید بود به وسیله انرژی ، خودتان، دیگران و یا حیوانات را مداوا کنید، البته هرگز ریگی جایگزین معالجات پزشکی نمی شود ولی می تواند آن را تکمیل نماید.

ریکی با استفاده از تعادل انرژی در بدن باعث درمان می شود. در نهایت ریکی یک حیات و زندگی جدید برای شماست.

اگر خواهان شفای جسم هستید، باید نخست ذهن را شفا بخشید. مطمئناً بارها و بارها قسمتی از بدنتان دچار درد شدیدی شده و بی اختیار دست خود را روی آن ناحیه گذاشته اید و قلباً احساس آرامش کرده اید. حال می خواهم برایتان بگویم که قلب شما درست احساس کرده. شما با این عمل مقداری شفا به آن ناحیه رسانده اید. در واقع می توانم بگویم این کار یک تکنیک یا ابتکاری نوین نیست. این روش، ریشه در سنتی کهن دارد و انسانها در قرنهای متمادی با آن زیسته اند و آن را در کنار حواس دیگر داشته اند. متأسفانه با گذشت سالها و پیشرفت علم و تکنولوژی و ما حاصل تمدن، کانالهای انتقال انرژی شفا بخش مسدود و در نتیجه شما ارتباط خود را با انرژی کیهانی از دست داده اید. در حالی که این ارتباط می تواند مکملی برای سایر روش های درمانی باشد. خوشبختانه کشف ریکی توسط دکتر میکائوا و سوئی در اواخر قرن نوزدهم و تعلیم استادانی برای شفای طبیعی، راهی برای استفاده از انرژی شفا بخشی که به طور طبیعی در هستی موجود است گشوده شده. در واقع درمانگر در ریکی کانالی برای انتقال این انرژی محسوب می شود تنها چیزی که شما برای انتقال انرژی (ریکی) نیاز دارید کانالیزه شدن توسط یک استاد ریکی است و جالب اینجاست که وقتی یک بار روند در مورد شما انجام شود این انرژی تا پایان عمرتان با شماست و شما می توانید از این موهبت الهی استفاده کنید ولی فراموش نکنید که انرژی را درست و بجا برای شفا و ارتباط نزدیک و غیابی به کار برید و آنچه مسلم است این است که ریکی نیازی به باور شما ندارد. ریکی فقط وجود دارد و خود به خود عمل می کند و تاثیر عمیقی بر شما و دیگران دارد. همراه با استفاده از ریکی، احساسات برتر یا الگوهایی که فرد را سالم و سرحال و آگاه از اصول آن می سازد نیز اهمیت دارد و آنها عبارات زیر هستند:

فقط امروز نگران مباش.

فقط امروز خشمگین مشو.

فقط امروز عشق و احترام را به هر موجود زنده ابراز کن.

والدین، معلمان و بزرگان را محترم بشمار.

معاشرت را شرافتمندانه تامین کن و سیاست را ابراز کن.

تاثیرات ریکی بر شما:

ریکی از قدرت طبیعی شفای بدن، توسط خود حمایت می کند.

ریکی تعادل روحی و تندرستی ذهنی را برقرار می کند.

ریکی بدن و روح را حیات می بخشد.

ریکی در تمام سطوح ذهن، روح، بدن و عواطف عمل می کند.

ریکی انرژی بدن را تعادل می بخشد.

ریکی انرژی مسدود شده را رها می سازد.

ریکی سموم بدن را پاک می کند.

ریکی خود را بر اساس نیازهای گیرنده تنظیم می کند.

ریکی بر حیوانات، گیاهان و تمامی موجودات زنده اثر می کند.

ریکی هیچ گونه ضرری برای هیچ کس ندارد.

ریکی باعث رفع استرس و ایجاد آرامش درون می شود.

ریکی جایگزین معالجات پزشکی نیست ولی می تواند مکمل آن باشد و بهبود فوری را برای شما به ارمغان بیاورد.

ریکی شیوه شفای مطبوع و جامعی است و در نهایت با شناخت و جریان ریکی، دنیا و حیات جدیدی را تجربه خواهید کرد. سادگی مویده حقیقت ریکی است.

ماهنامه موفقیت

موضوع: ریکی

جملاتی که فکر کردن به آنها و تکرارشان، در کنار ریکی زندگی شما را دگرگون می کنند:

اصول ریکی پایه و قلب ریکی هستند. حتی اگر فقط می خواهید از من انرژی بگیرید، باید تعهد کنید در مدت دریافت انرژی هر روز صبح و عصر برای لحظاتی آرام بگیرید و اصول ریکی را هم به زبانم بیاورید و هم در قلب خود بگویید. کسانی که همسو می شوند هم باید این کار را همیشه انجام دهند. نگرانی، خشم، بی ادبی و امثال آن انرژی شما را هدر می دهد و اتصال به منبع انرژی را دشوار می کند. باور کنید که یک منبع انرژی بینهایت وجود دارد! باور کنید که خدا هست، به اسلام (یا دین دیگری که دارید) ایمان بیارید و دیگه نیازی به نگرانی و خشمی که انرژی شما را هدر می دهد ندارید. اون موقع خود به خود صادقانه کار خواهید کرد. شفای شما و پیشرفت شما در این باورهاست و ریکی یک کمک بزرگه.

تاریخچه: این اصول رو امپراتور Meiji بنیان گذشته و جزئی از سنت بودیسم به شمار می ره که اوسویی هم اون رو جزء ریکی قرار داده. پایان تاریخچه!

فقط برای امروز؟

خوب ما فقط همین امروزو داریم دیگه! همین ساعت رو، همین لحظه رو! اگر بتونیم اصول رو برای این لحظه رعایت کنیم، یک ساعت هم می تونیم. یک روز هم می تونیم. اگه فردا هم زنده بودیم، فردا دیگه اون موقع امروز شده پس از الان نگرانش نباشید! نمی گم برای آینده برنامه ریزی نکنید، ولی نگذارید اون برنامه ریزی و انتظارات مشخص و ثابتون باعث بشه شما نتونید به چیز بهتر رو بپذیرید! راستی همیشه آماده این باشید که اون چیز بهتره به لباسی تنش کنه که اول شناسینش پس اگه دیدین به چیزی پیش اومد که اون چیز خوبه که می خواستین نبود، به احتمال بدین که به چیز بهتر با به لباس مبدل جلتون وایساده باشه و به استقبالش برین.

"فقط برای امروز" قدرتی که شکست ناپذیرتون می کنه! (سیگار رو با هر عادتت جایگزین کنید) می تونی ۵ دقیقه سیگار نکشی؟ چه عالی! شاید برای به ۵ دقیقه دیگه هم بتونی؟ آفرین! حالا اگه به هر دلیل بعد از چند تا ۵ دقیقه سیگار کشیدی، به همه ۵ دقیقه هایی فکر کن که تونستی سیگار نکشی و به خودت آفرین بگو! حالا آماده ای که بری واسه ۵ دقیقه بعدی! از قدرت "فقط امروز" استفاده کن! فقط امروز صبح و عصر اصول ریکی رو با خودت تکرار کن!

خشمگین مشو؟

یادت باشه این حالت ایده آل قضیه است! وقتی عصبانی شدی، قبل هر چیز یک لحظه صبر کن و اگه دوست داری با عشق عصبانیتت رو حس کن و خوشحال باش از اینکه عصبانی هستی و با همه وجودت حسش کن! ضربان قلبت، رنگ پوستت، حالا از خودت پپرس عزیزم از چی ترسیدی؟ چه انتظاری داشتی که نشد و باعث شد عصبانی بشی؟ چه تغییری تو انتظاراتت لازمه تا کمتر عصبانی بشی؟

این قدرت رو کسب کن که عصبانیتت رو عقب بندازی! مثل به بازی! مثلا الان هوس کردی حسابی عصبانی بشی، اما به دفعه می گی باشه واسه فردا! یا به ساعت دیگه! مثلا پیش خودت می گی الان دلم می خواد خیلی از دست این یارو عصبانی بشم ولی واسه بازی یا واسه اینکه قدرتم رو به خودم نشون بدم، می اندازمش عقب، فردا

این موقع از دستش عصبانی می شم! حتی آگه سخته ۱۰ دقیقه دیگه... اما اونقدر فرصت برای خودتون در نظر بگیرید که یه لحظه خودتون رو جای اون فرد، دستگاه، حیوون،.. بگذارید و ببینید که به نظر شما قصد اون از کاری که کرده چی بوده؟ می تونی از چشم اون به قضیه نگاه کنی؟ واقعا فکر می کنی ماشین جلویی توی ترافیک امروز فقط برای این از خونه بیرون اومده بود که کاری کنه تو یه بار دیگه هم پشت چراغ قرمز بمونی؟ آدمایی که جلوی شما تو صف و ایسادن هم اونقدر بی کار بودن که اومدن...

اما با دقت به کانجی (حروف ژاپنی) این عبارت ممکنه به جای فعل لازم، فعل متعدی (آگه ادبیات رو فراموش کردید، متعدی از اونایی بود که مفعول هم می خواستن) بوده باشه! یعنی منظور این بوده باشه که دیگران رو عصبانی نکن! پس سعی نکنید دیگران رو هم عصبانی کنید یا بهتر بگم سعی کنید دیگران رو هم عصبانی نکنید!

بله عصبانیت می تونه لازم و حتی خوب باشه! می تونه انرژی به شما بده که جون کسی رو نجات بدید، می تونه به شما انرژی بده که فردی رو که داره حیوونی رو آزار می ده یا زمینمون رو آلوده می کنه کنار بزنین، می تونید خیلی کارهای خوب بکنید ولی خودتون تشخیص می دید که کی عصبانیت به شما انرژی مفید می ده و کی داره برعکس انرژیتون رو هدر می ده، نه؟ بودا می گه عصبانی شدن از کسی برای تنبیه اون مثل اینه که یه تیکه زغال داغ رو با دستتون بردارید با این هدف که به اون پرتش کنید، حداقلش اینه که دست خودتون بیشتر می سوزه!

نگران مشو؟

اینم یک حالت ایده آله نه یک وظیفه به این معنی که آگه نگران شدی واسه یه لحظه، گناه کردی! بیشتر مطالب بالا اینجا هم کاربرد داره.

وقتی نگران شدی، سریع سریع سریع یه لحظه فکر کن ببین نگران چی هستی... آگه خیلی کلی بود ریز ریز کن و به تک تک اجزا فکر کن.. کاری می تونی بکنی که نگرانی ات کمتر بشه یا رفع بشه؟ آگه می شه بدو انجام بده، اگر نمی شه که نگرانی فایده نداره!

نگرانی یعنی تمرکز بر جنبه های منفی قضیه مگه نه؟ پس نمی ذاره رو مثبتها متمرکز بشی، نمی ذاره بهترین راهها رو ببینی و شما رو از لحظه حال جدا می کنه. یه ضرب المثل سوئدی هست که می گه: "نگرانی به یک نقطه کوچیک یه سایه بزرگ می ده!"

اگرچه در اینجا کسی نگفته که این فعل هم می تونسته متعدی باشه، بد نیست که سعی کنیم کسی رو نگران نکنیم، بذاریم اونایی که دوسمون دارن بدونن کجاییم، چی کار می کنیم و چه احساسی داریم.

سپاسگزار باش؟

سپاسگزاری شامل احترام، افتخار، پذیرش، حق شناسی، ستایش و همون تشکر ساده خودمونه و می تونه به احساس مسوولیت یا احساس نیاز به شادی و جشن هم تبدیل بشه. این سپاس و احساس مسوولیت شامل خدا، پدر و

مادر، استادها، پیامبران، امامان و اولیاء الهی، زمین، خورشید، غذا، نان، اقیانوسها و رودخانه ها و موجودات زنده شان، منابع طبیعی، تنوع زیستی، جنگلها، اون کرم خاکی که خاک رو سلامت نگه می داره، اون درخته که به شما اکسیژن و انرژی می ده، اون هوایی که تنفسش می کنی... هم می شه! می دونید این یعنی چی؟ یعنی بدونی که چه کوچیکی... هر چه داری حاصل فرد یا چیز دیگه ایه و چه بزرگی! که مسؤول نگهداری از این کره زمین و محیط زیستی!

اگه برات سخت بود، سعی کن به ۵ تا خصوصیت خوب همسرت، پدرت، مادرت، دخترت، پسرت، دوستت... فکر کنی. به ۳ تا کار که برات کردن. به ۲ تا موقعیت فکر کن که یه دفعه فرشته ها برات معجزه کردن.. خیلی خوش شانسی آوردی... اتفاقی که افتادن تا تو رو به جایی بکشن یا درسی بهت بدن... برا همشون سپاسگزار باش.

شکرگزاری فقط برای اون چیزایی که اسمشونو تو ستون خوبها نوشتی نیست، اون چیزایی که بد می دونیشون هم بهترینها برای تو. اون بیماریهای سخت، اون رابطه هایی که قطع شد، مردن اون فرد، از دست دادن اون کار، همه به تو فرصت رشد داده و موقعیتهای بهتر و بیشتر. وقتی یه در رو به روت بستن، شاید لازم باشه پاشی اطراف رو نگاه کنی ببینی چه دری رو برات باز کردن! البته انتخاب با خودته می تونی هم همونجا بشینی.. "چه کسی پنیر منو جا به جا کرده" رو بخونید حتماً؛ همینطور کتاب "آخرین راز شاد زیستن" نوشته اندرو متیوس رو.

گریه می کردم که چرا کفش ندارم... تا وقتی که دیدم یه نفر پا نداشت و مشغول کارش بود...

سخت کار کن؟

با صداقت کار کن، در کارت صداقت داشته باش... یاد ویل للمطفین افتادی؟ خوب فقط هم اون نیست، تو هر کاری که می کنی بهترین باش. صادقانه و عاشقانه کار کن. اگه بهترین ظرف شوی رستوران باشی، مطمئن باش اگه بخوای موقعیتهای پیشرفت سریع برات فراهم می شه اما اگه بگی موقعی خوب کار می کنم که کارم مدیریت رستوران باشه، خوب شاید همون کار ظرف شستن رو هم از دست بدی. بین بیا یه کاری کن یا بیخیال کاری که داری بشو و برو دنبال کاری که می دونی دوشش داری و از پیشش بر می یای یا اون کاری که داری رو با عشق و صداقت انجام بده (این شامل خانه دارها هم می شه ها!) پس منظور یکی این بود؟ نه فقط این، اگه اومدی سراغ یکی سخت روی خودت کار کن، به خودت انرژی بده هر روز، این اصول یکی رو هر روز تکرار کن! سخت کار کن یعنی بهترینی باش که می تونی! تو یاد گرفتن، تو کار کردن، تو پیشرفت کردن بهترینی باش که می تونی. تقلب نکن! سر کسی کلاه نذار، نه سر مدیریت و نه مشتریها و نه سر خودت.

مارتین لوتر کینگ می گه: اگه به کسی گفتند که رفتگر خیابون باشه، باید طوری خیابونها رو جارو کنه که میکلائزلو نقاشی می کرد یا بتون آهنک می ساخت یا شکسپیر شعر می گفت. باید اونقدر خوب جارو بزنه که میزبانان آسمان و زمین توقف کنند تا بگویند اینجا رفتگر بزرگی زندگی می کرد که کار خود را به خوبی انجام می داد.

با همه موجودات مهربان باش؟

یعنی با همه مهربون باشیم؟ وقتی دکتر اوسویی این رو می گفت، منظورش فقط آدمها نبود! با همه مهربان باش: انسانها، حیوانات، فرشته ها، درختها، سنگها، ابرها... نگفت با بعضی از موجودات، مثلا زردپوستها، سفیدپوستها، بنفش پوستها یا سنگهای سبز، گفت همه موجودات و این شامل خودت هم می شه!

Og Mandino می گه از امروز با هرکی رو به رو شدی فرض کن قراره امشب نیمه شب بمیره، همه مهربانی و توجه و درکتون رو در اختیارشون بگذار و این کار را بدون هیچگونه چشمداشتی انجام بده. اونوقت زندگی شما دیگه هیچ وقت این شکل نخواهد بود!

در تماس باشید



reiki_meditation



raja_chakra_aura



<https://imanreiki.ir>

